



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۱۰/۳۰

م. اسحاق نگارگر

# این جا هر روز کربلاست!

نه از بهر خدا تعمیر مسجد میکند زاهد  
برای خود فروشیهاست این تزیین دُکانش  
مگو تسبیح گردانست؛ انگشتِ ریا پیشه  
پی دُنیا خریدن می شمارد نقدِ ایمانش

(مولانا فضولی از شاعران قرن دهم هجری)

## این جا هر روز کربلاست!

داستان دردانگیز بی ارزش شدن انسان از ماجرای هابیل و قابیل آغاز می شود. آنگاه که قابیل در برابر هوس خود سرخم کرد و برادرش را گشت در حقیقت انسان بی ارزش شد و قابیل با خود گفت برای رسیدن به مقصود می توان هستی انسان های دیگر را از آنان بازگرفت.

تو خود را به آرزوی خویش برسان و اگر هزاران دیگر کشته شدند تو خود را به همین تسلی بده که انسان دیر یا زود شکار مرگ شدنی است و بنا بر این جنگ افروز گناهی در مرگ دیگران ندارد که آنان اگر در برج های آهنین هم باشند مرگ به سراغ شان می آید.

اگر انسان این منطق را بپذیرد که او در هر صورت محکوم به مرگ است و چون روزی به صورت طبیعی می میرد پس کشتنش نیز گریبان قاتلش را نمی گیرد این گونه تقدیر گرایی هرگونه تلاش انسان را برای بهتر ساختن زندگی و مجادله در راه امحای امراض به باد تمسخر و استهزاء می گیرد و آدم در توجیه این مسأله در می ماند که اگر زندگانی محکوم مرگ است پس چرا خدا گفت:

"آنکه مؤمنی را به قصد کُشت جزایش جهنم است و برای همیشه در آنجا می ماند." و یا چرا خدا گفت: "آنکه زنده گردانید یک نفس انسانی را مثل این است که همه انسانیت را زنده گردانید."

من تا امروز از متون دینی چنین فهمیده بودم که هر انسان یک دوران طبیعی عمر دارد که مدت این دوران تنها برای خدا معلوم است و ممکن است از یک روز تا صد سال یا کمتر و بیشتر از آن را در بر بگیرد اما اگر انسانی آزاد و صاحب اراده در این عملیه مداخله می کن و انسان را می کشد این کُشنده قاتل است و نمی تواند در محضر قاضی استدلال کند که چون این مرد به هر صورت می مُرد پس مداخله من در آن اهمیت ندارد.

این طرز تلقی قانون مجازات را در اسلام زیر سؤال می برد و قاضی بدین گونه مرد یا زن می گوید: "مگر خدا به تو وظیفه داده بود که خلعت هستی را از او بازگیری؟"

آری قاضی او را نظر به شدت درجه اشتراکش در قتل قصاص و مجازات می کند و اما دهم محرم الحرام در راه است و ما فرصت داریم که بر حادثه شهادت حضرت سیدالشهدا امام حسین بن علی (رض) مکث کنیم و ببیندیشیم که چرا یک دکتاتور جبار که خلافت بر مسلمانان را میراثی تلقی می کرد که پدر برایش بازمانده بود و به خاطر همین میراث فرزند دختر پیامبر (ص) را کُشت؟ مگر امام حسین (رض) با قیام در برابر یزید بن معاویه ثابت نکرد که حکومت بر مردم حق نیست که از پدران به پسران برسد بلکه این حق مُسلم مردم است که امیر جامعه خود را بدون اعمال زور برگزینند و برایش بیعت کنند.

اگرما همان گونه که مولانا فضولی بیان کرده است مسجد را برای خود فروشی ها آرایش نمی کردیم و سبحة گردانی ما با انگشتان ریا پیشه برای خریدن دنیا و فروش نقد ایمان نمی بود آنچه را در کربلای کندز به وجود آورده ایم هرگز به وجود نمی آمد. در کربلا آب و نان نبود و به هیچ کس نمی رسید ولی در کُندز آب و نان است ولی ما برخلاف حکم دین خود آب و نان را احتکار می کنیم.

در آنجا یک نان پنجاه افغانی است و مردم قُدرت خرید ندارند.

ماجرای بر سر چیست؟

گروهی که به اعترافِ خودشان از جانبِ مردم انتخاب نشده اند اما بر سرنوشتِ مردم مسلط گردیده اند می خواهند قدرت را در دستِ خود نگاه دارند و گروهی دیگر بر خلافِ ارادهٔ مردم برخاسته اند تا ایشان را از اریکهٔ قدرت براندازند و هر دو سببِ جنگ در میان مسلمانان گردیده اند و زیان جنگ به کسانی می رسد که به هیچ وجه درگیر این جنگ نیستند و این جنگ که عامل کُشته شدن زنان؛ کودکان و مردان بیگناه گردیده است هیچ گونه جواز شرعی ندارد.

حزب اسلامی نیز که میخواهد و یا بهتر است بگویم ادعا دارد که صلح می آرد اقدام صلح خواهی را از کندز و هلمند باید آغاز میکرد نه از هرات که اکنون عملاً میدان جنگ نیست.

این جا بدبختانه ریا کاری به بدترین شکل های آن بر قوماندانان زورمند و روحانیون زراندوز مسلط گردیده است و همه خدا خدا میگویند ولی به خاطر خدا(ج) بر این همه مسلمان یتیم؛ بیوه و بیچاره دل نمی سوزانند. شاید بتوان با دیدن این گونه مسلمانی با بیدل همنا شد که:

در مشرب زن و از قیدِ مذاهب بگریز  
عاقبت نیست دران بزم که سازش جنگ است  
بیدل

فاعتبروا یا اولی الابصار ۱۹ اکتوبر ۲۰۱۶ شهر مزار شریف نگارگر

\*\*\*\*\*

تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که سروده ها و مطالب دیگری از این نویسندهٔ معزز را مطالعه کنند، میتوانند با اجرای "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحهٔ مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

این جا هر روز کربلاست

[i\\_negargar\\_injaa\\_har\\_roz\\_karbalaast.pdf](http://i_negargar_injaa_har_roz_karbalaast.pdf)